سلسله کوثریه

مدرسی چهاردهی، نورالدین

حاج محمد رضا فرزند حاج محمد امین همدانی(کوثر علیشاه)از یاران و همدرسان‏ محمد جعفر فرزند صفر خان کبودر آهنگی(مجذوب علیشاه)نزد حسین علیشاه اصفهانی مشرف‏ بفقر گشتند و پس از طی سالها باتفاق یکدیگر در سنه 207 هـ.ق بکربلا نزد نور علیشاه و کوثر بدستیاری و پیردلیلی مجذوب منصوب گردید.

مجذوب بعدها حاجی زین العابدین شیروانی(مست علیشاه)مشهور به سیاح شیروانی‏ را جانشین خود معرفی نمود.کوثر علیشاه از این عمل رنجیده‏خاطر گشت و خود سلسله جدا ساخت آخوند ملا حسین همدانی از روی حسادت دستور داد خانه کوثر را غارت نمایند کوثر ناچار به تبریز عزیمت نمود عباس میرزا نایب السلطنه و قائم مقام فراهانی از مریدان کوثر بودند وفائی شوشتری رساله‏ای بر رد تصوف نگاشته که در کتاب بهره بطبع رسیده است(بهره‏ یکی از فرق اسمعیلیه است)از کوثر تمجید نموده و قدرت روحی برای وی قائل است کوثر کتابی بر رد رساله‏ها نری مارتن انگلیسی نوشت و بخوبی از عهده برآمد و پس از آن کتابی‏ در نبوت خاصه تألیف نمود و در شعر نیز دستی قوی داشت بعد از کوثر حاج میر علینقی جنت‏ علیشاه بجای پدر بر مسند قطبیت جالس گردید و بعد از جنت آقا تقی صمد علیشاه دختر آقا رضا واعظ نوه کوثر را بزوجیت خود درآورد کیوان قزوینی در بدایت امر دست ارادت به‏ صمد علیشاه داد و پس از چندی از طرف وی اجازه ارشاد یافت بعدها آقا رضا واعظ با صمد علیشاه کدورت بهمرسانید و خود دایه جانشینی پدر را بهمزد و در منبر دستی قوی داشت‏ بعد از صمد علیشاه علو المماک داماد آقا محمد تقی و آقا شیخ کاظم مجذوبی نوه دختری‏ مجذوب مدعی قطبیت گردیدند و محمد تقی فیروزی اسدآبادی از شعراء همدان داعیه جانشینی مجذوبی را داشت آقا سید اسد الله یزدی دو سال در همدان سکونت داشت و معارض‏ صمد علیشاه بود و از طرف دیگر در خطه آذربایجان حاجی میر سلام موسوی مشهور به حاج‏ کبیر آقا متخلص به مجرم خود را جانشین جنت علیشاه معرفی نمود و رضا قلی میرزا(مجنون‏ علیشاه)از طرف وی بدرجه ارشاد رسید و خواهرزاده‏اش آقا ظفر الدوله ملقب به ظفر علیشاه‏ از مشایخ این سلسله و ریاست گارد درباره مظفر الدین شاه را بعهده داشت و مظفر الدین شاه چند بار تقاضای تشریف بفقر را نمود و حاج کبیر آقا دستور داد ظفر علشیاه وی را دستگیر نماید.

بعد از حاج کبیر آقا حاج معین العلماء جالس مقام قطبیت گردید و بعد از وی میرزا علی خلوتی‏ (نصرت علیشاه)و پس از وی حاج محمد حسن مراغه‏ای(محبوب علیشاه)مشهور به پیر مراغه‏ عهده‏دار امور فقری این سلسله گردید و مشهدی غلامرضا معارض پیر مراغه گردید بعد از محبوب علیشاه صدر عراقی واعظ و محمد نافع‏زاده قاضی دادگستری و قدرت الله ناطق‏ علیشاه و سید حسین لامع از وعاظ قزوین داعیه جانشینی بهمزدند اما طرفی نه‏بستند و اکثریت قریب باتفاق دست ارادت به آقای میرزا علی اصغر ملک‏نیا(ناصر علیشاه)که از تجار تبریز بود دادند.

ناصر علیشاه در سر مزار پیر طریقت خود(سه راه ورامین)خانقاهی بساخت و ملک‏ نیا سالیان دراز عمر خود را صرف خدمت استاد طریقت نمود بطوریکه مورد اعجاب همگان‏ قرار گرفت و شبهای دوشنبه و جمع فقرا در خانقاه گرد هم جمع میگردند و در امور شریعت‏ سخت کوشا و پایبند میباشند مبتدی را ذکر یونسیه داده بعد ذکر انفسی پس ذکر خفی و پس‏ از طی سالها ذکر ذات که الله باشد و ذکر حیات که هو الحی باشد تعلیم میدهند آقای ملک‏ نیا مخالف تبلیغات و شهرت است و بدشواری کسی را بمریدی میپذیرند و سالگرد وفات‏ پیر مراغه را در سر مزارش با شکوه هرچه تمامتر برپا داشته و صندوق خاتم پربهائی بر سر مزار با هزینه خود ساخته و نصب نموده‏اند و در کمک وضع حال مریدان منتهای بذل‏ توجه را مبذول میدارند و کتابخانه‏ای پرارج در خانقاه احداث نمودند.

بقیه از صفحه 40

ثمرشان را بفارسی شرح نکرده‏ایم-ولی از اشعار شعرای مغرب‏زمین هرچه‏قدر هم دور از ادب و اخلاق و عفت کلام باشد بفارسی برمیگردانیم و گاهی مترجم بر این ترجمه‏های‏ زشت افتخار هم می‏کند.

ما افراد دانش‏آموخته و مؤمن بکار خود که از همسایگان ما هستند بکار دعوت نمی‏کنیم‏ اما از معلمین مغرب‏زمین هرچقدر هم کم‏سن و کم‏سواد و بی‏تجربه باشند استقبال می‏کنیم‏ و باستخدام دانشگاه درمیآوریم.